

یادی از غلام حسین صدیقی: بنیانگذار جامعه‌شناسی ایران

حافظه‌ی تاریخی جامعه‌ی ما همواره سرشار از عشق و ارادت و تکریم نسبت به بزرگانی است که با قلم و قدم و سخن و رفتار خود پوینده‌ی راه بهروزی و تحول خردورزی و تعالی جامعه بوده‌اند. در میان چنین فرهیختگانی که همواره مورد تأیید و تکریم جامعه‌ی فرهنگی کشور بوده و هستند، نام دکتر غلام حسین صدیقی بنیانگذار جامعه‌شناسی ایران به لحاظ خدمات برجسته‌ی فرهنگی و تلاش مستمر و پیوسته در مسیر عدالتخواهی و آزادی از درخشش خاصی برخوردار است.

دکتر غلام حسین صدیقی در آذر ماه ۱۲۸۴ (ه.ش) در تهران متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به اتمام رساند. سپس در سال ۱۳۰۸ به کشور فرانسه رفت و در مدت ۸ سال و نیم اقامت در آنجا موفق به گذراندن دانشسرای عالی سن کلو و دریافت پنج دیپلم عالی در فلسفه و علوم اجتماعی دانشگاه پاریس شد. در نهایت در سال ۱۳۱۶ با گذراندن رساله‌ی «جنبش‌های دینی ایران در قرن‌های دوم و سوم هجری» درجه‌ی دکترای رشته‌ی فلسفه را گرفت. وی پس از بازگشت به وطن در سال ۱۳۱۷ در دانشسرای عالی دانشگاه تهران به دانشیاری انتخاب شد و به تدریس جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه پرداخت.

در این زمان اندیشه‌ی صدیقی جوان مالا مال از عشق به بهروزی ایران و انسانیت بود. وی سبب‌ساز تعالی انسان‌ها و میهن را «توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی» و «تحول سیاسی» می‌دانست. در زمینه‌ی امور سیاسی در دوره‌های خاص تاریخ معاصر نامی بلندآوازه و مطرح داشت و زندگی خود را وقف تحقق این دو هدف متعالی ساخت. عباس میلانی در بازخوانی مقدمه‌ی اصول حکمت آتن جوانی از سبک کار ستودنی و اندیشه‌های سیاسی او را بررسی می‌کند. در این مقدمه چنین نوشته است:

تاریخ اندیشه‌ی سیاسی را می‌توان با اندکی اغماض، به دو نوع مکتب تقسیم‌پذیر دانست. برخی سودای ناکجاآباد در سر دارند، کاستی‌های انسان را برنمی‌تابند؛ طالب بازسازی روح و روان انسان‌اند؛ حقیقت را یکی می‌پندارند و رستگاری سیاسی را در گرو آن می‌دانند که اقلیت عالم به این حقیقت باید قدرت مطلق را در کف گیرد. در این مکتب، حکام قیم و چوپان مردم‌اند. نزد آن‌ها فرد نه غایت سیاسی که ابزار آن است. شهروند مطلوب هم کسی است که سوداها و خواست‌های فردی را یکسره فدای مصالح جمعی کند.

جمهوری افلاطون را نخستین تجلی صیقل‌یافته‌ی این مکتب دانسته‌اند و نه تنها گره‌ای از حکومت‌های خودمحور، بلکه شجره‌ی همه‌ی حکومت‌های توتالیتر سده‌ی بیستم را نیز در همان جا سراغ کرده‌اند.

برخی دیگر، نه جامعه‌ای کامل که حکومتی مطلوب و میسر را می‌طلبند. «انسان کامل» را تخیلی بیش نمی‌دانند و بازسازی روح انسان را گره بر بادزدن می‌شمرند. نزد آن‌ها حقیقت یکی نیست و انسان‌ها نه ابزار که هدف سیاست‌اند. دولت مطلوب هم نه قیم که خادم شهروندان است. در این مکتب، معضل اساسی اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی هم تنها از طریق حکومت قانون یافتنی است.^۱

غلام‌حسین صدیقی در زمینه‌ی امور اجتماعی و فرهنگی، بیش‌ترین توجه خود را معطوف به اشاعه و کاربردی نمودن شناخت علمی پدیده‌های اجتماعی و بسترسازی و برپایی ساختارهای سازمانی مناسب برای توسعه‌ی علوم اجتماعی نمود که بخشی از نتایج چنین اهتمامی عبارتند از:

- تأسیس و مدیریت رشته‌ی علوم اجتماعی در دانشکده‌ی ادبیات.
 - تأسیس و مدیریت مؤسسه‌ی مطالعات تحقیقات اجتماعی.
 - مشارکت در تأسیس انجمن آثار ملی و انجمن علوم اجتماعی ایران.
 - مشارکت در تأسیس دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تعاون.
- از سایر فعالیت‌های وی عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌های معتبر و تشکل‌های معتبر بین‌المللی نظیر یونسکو، شورای عالی فرهنگ، انجمن شرق‌شناسی و انجمن تألیف و ترجمه‌ی دانشگاه تهران است.

۱. *تجدد و تجدیدستیزی در ایران*، عباس میلانی، ۱۳۸۱، انتشارات اختران.

عمده‌ترین مشخصه‌ای که برای دکتر غلامحسین صدیقی قایل شده‌اند، پایبندی همیشگی بر مکارم اخلاقی است. صدیقی در مراسم دریافت عنوان استادی ممتاز در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه تهران به روشنی باورها و ارزش‌های والای مورد قبول خود را چنین معرفی می‌کند:

۱. دانش دوستی به نیت قربت، نه قصد شهرت و سوداگری؛

۲. تواضع راستین نسبت به دانشوران؛

۳. احترام عمیق به مفاخر و مآثر ایران؛

۴. تکریم عظمت و ارزش مقام انسانی در جهان هستی؛

۵. اعتقاد استوار و خاصه به روح علمی؛

۶. برکناری از تعصب که پیوسته آن را استعفا از عقل شمرده‌ام؛

۷. گرامی داشتن شخصیت دانشجویان که فروغ دیده‌ی استادان و امید آینده‌ی ایرانند.

به راستی فضایل اخلاقی و آرمانی که استاد از آن سخن می‌گوید واقعیتی است که بسیاری از نویسندگانی که به بررسی و تحلیل آثار زندگی وی پرداختند بدان گواهی می‌دهند و غالباً از وی به عنوان مرد علم و اخلاق، متفکر هدفمند و سیاست‌مداری آزاده و مبارز یاد می‌کنند که در طول عمر پربار خود کوشید ضمن وفاداری صمیمانه به آرمان‌های انسانی، سقراط‌گونه همواره قانون و اخلاق و حقوق انسانی را پاس بدارد و چنین ویژگی‌های شخصیتی همراه با نفوذ کلام، انضباط و وقت‌شناسی وی را به چهره‌ای فرهمند، محبوب و ماندگار در عرصه‌ی علم و جامعه مبدل ساخت.

